



□ عبدالقادر پسر غیبی حافظ مراغی<sup>۱</sup>، ملقب به «حافظ»، «گوینده» و «نظام‌الدین» و مشهور به «ابن غیبی» یا «حافظ‌المراغی» یا «عبدالقادر گوینده»، در سال ۷۶۸ (ه.ق. ۰) در شهر مراغه دیده به جهان گشود.<sup>۲</sup> در چهار سالگی به مکتب رفته، در هشت سالگی حافظ قرآن گردیده و در ده سالگی از تحصیل صرف و نحو و معانی و بیان فراغت حاصل نموده است. وی را عالم به علوم متداول زمان، حافظ و قاری قرآن، دارای طبع شعر، خوش‌نویس، تصویرگر، موسیقی‌دان و موسیقی‌پژوه، متخصص در علوم نظری و عملی در موسیقی، نوازنده‌ی عود و کاسات و به قول «هنری فارمر»،<sup>۳</sup> «عجبویه»<sup>۴</sup> خواننده و در نهایت از مفاخر تاریخ هنر ایران در نیمه‌ی قرن هشتم و نهم هجری و آخرین نظریه‌پرداز موسیقی کلاسیک ایران<sup>۵</sup> که تنها بعد از اوست که اطلاعات دقیق و موثق و قابل اطمینان درباره‌ی مطالب موسیقایی می‌توان یافت، دانسته‌اند. عبدالقادر در شهر مراغه (در آن زمان از شهرهای مهم ایران به‌شمار می‌رفت) متولد و تربیت شده است. وی در کتابش - **مقاصد الألحان** - از پدر خود به احترام یاد می‌کند و می‌نویسد: «پدرم - غیبی - که در انواع علوم، به‌ویژه در موسیقی دست داشت، در تربیت من کوشید.»<sup>۶</sup>

از عبارت «سقی‌الله ثراه و جعل الجنته مثواه» که بعد از نام پدر آورده است، چنین برمی‌آید که غیبی - پدر عبدالقادر - در سال ۸۲۱ ق. که عبدالقادر **مقاصد الألحان** را به رشته‌ی تحریر کشیده، زنده نبوده است.

عبدالقادر باید فقط دوران کودکی و نوجوانی خود را در مراغه گذرانده باشد؛ زیرا به‌طوری که اسفزاری خیر می‌دهد، عبدالقادر در آغاز جوانی در تبریز، نزد سلطان حسین جلایری بوده است. شخصیت هنری عبدالقادر، ترکیبی است از موسیقی، شعر، خط و نقاشی یا نمونه‌ی است از تربیت‌های قدیم. فارمر می‌نویسد: «عبدالقادر، در موسیقی، تالی صفی‌الدین ارموی بوده است. عود خوب می‌نواخت و در ساختن تصنیف استاد بود. نظر فارمر این است که بعضی از آهنگ‌های عبدالقادر هنوز به نام «کیار» یا «قیار» در بین ترک‌ها متداول است. عبدالقادر اقلام سته را - ریجان، ثلث، نسخ، رقاع، توقیع - به مرتبه‌ی عالی دانسته و نوشته است.<sup>۷</sup> وی «با آن که اهل آذربایجان (مراغه) بوده و ترکی می‌دانست، کتاب‌های خود را به زبان فارسی نوشته و از این راه خدمتی بس بزرگ به زبان و ادب [و هنر] فارسی انجام داده است.»<sup>۸</sup> «عبدالقادر علاوه بر خوشنویسی و نقاشی و نوازندگی عود، شعر نیز می‌سروده است. نمونه‌ی اشعار فارسی و ترکی او در **مقاصد الألحان** و بعضی از کتاب‌های وی آمده که در آن‌ها «عبدالقادر» تخلص نموده است.»<sup>۹</sup>

گرد برد سوی چمن بویت بهار  
گل کند بر خویش پیراهن قبا

در هوای مهر تو پیرآن شود  
جان و دل‌ها ذره‌وار اندر هوا  
ماجراها می‌کند با ما لبت  
این همه جور و ستم با ما چرا؟  
یک نظر بر سوی ما افکن که شد  
عالمی پُر آب زاشک چشم ما  
می‌نپرسی هرگز روزی که هی  
چیست احوال تو عبدالقادر؟  
و سرانجام استاد عبدالقادر مراغی در سال ۸۳۸ ق. در شهر هرات به واسطه‌ی عارضه‌ی طاعون، آهنگ سفر آخرت کرد و در همان‌جا مدفون است.

### شعر و موسیقی عبدالقادر مراغی

بی‌شک عبدالقادر مراغی یکی از بزرگ‌ترین موسیقی‌دانان و موسیقی‌پژوهان تاریخ هنر ایران محسوب می‌شود. «به‌قول دولتشاه [سمرقندی]، مراغی یکی از چهار هنرمند در پایتخت شاهرخ بوده که در ربع مسکون به روزگار خود نظیر نداشته‌اند. مراغی در علم ادوار

موسیقی، یوسف اذکانی (اندکانی) در خوانندگی و استاد قوام‌الدین در طراحی و مولانا خلیل مصور که ثانی مانی بوده است.<sup>۱۰</sup> تسلط مراغی در نوازندگی بریط (عود)، مورد تحسین قرار گرفته و آهنگ‌هایش گرچه هنوز به‌طور کامل به‌دست نیامده، ولی اندکی از آن‌ها تا حد موجود، توسط بعضی از موسیقی‌دان‌ها به‌اجرا درآمده است. (آهنگ متن سریال امام علی (ع) توسط استاد فرهاد فخرالدینی). مطالعه‌ی عمیق در آثار پیشینیان و نقد و بررسی اقوال و آرای بزرگان چون: فارابی، پورسینا، صفی‌الدین ارموی و قطب‌الدین شیرازی از یک طرف و تسلط وی در عمل به موسیقی و خوانندگی از ویژگی‌های او به‌شمار می‌رود، چرا که مراغی تنها اطلاع‌داشتن از قواعد نظری یا عملی در موسیقی را کافی نمی‌داند، بلکه از دیدگاه او، هنرمند باید در عمل به موسیقی نیز توانا یا به‌قول خودش «جامع بین‌العلم و العمل مع الذوق» باشد. شرف‌الدین علی یزدی در **ظفرنامه**، خواندمیر در **حبیب‌السیر** و چند تن دیگر از صاحب‌نظران به‌تأیید، مراغی را برترین دانسته‌اند: «خواجه عبدالقادر گوینده، در انواع فضایل، نصاب کامل داشت، و در علم موسیقی و ادوار، هیچ‌کس از ابنای روزگار با وی خیال مساوات پیرامون خاطر نمی‌گذاشت.»

مراغی، خود را بهره‌مند از تعلیمات پدرش - غیبی - دانسته که از کودکی وی را به مجالس می‌برد، پدری که «به حال او التفات تمام داشته و او را از خاک برگرفته» و مایل بوده تا عبدالقادر «نعمات طیبیه» ی قرآن را با آگاهی تمام و به آواز خوش بخواند. «چون قرآن را حفظ کرده بودم، خواستند با نعمات طیبیه و از سر وقوف تلاوت کنم» و از برکات همین آگاهی، بعدها در حالی که فاصله‌ی با مرگ نداشت، در محدوده‌ی که امیر تیمور صدای او را بشنود، «سوره‌ی از قرآن را با صدای بلند خواند و امیر تیمور که تحت تأثیر قرار گرفته بود، از گناهش درگذشته، خندید و گفت: «بدال ز بیم، چنگ در مصحف زد.»<sup>۱۱</sup>

تاریخ زندگی مراغی، دوره‌ی از تعلیم و تعلم و استادان موسیقی و دوره‌های تلمذ او را نشان نمی‌دهد و بعد از پدرش که خود مراغی بدان اظهار نموده، به‌نظر می‌رسد که خود به‌دنبال تکامل و مطالعه و ریاضت در نوازندگی رفته که توانسته در «غنوفان جوانی و ابتدای شروع الحان و آغانی»<sup>۱۲</sup> تصانیف مشکله بسازد و این در بیست و چند سالگی اوست.

مسأله‌ی شرط‌بندی مراغی با رضوان‌شاه توسط حسین جلایری، استادی عبدالقادر را آشکار می‌سازد و ذوق حسین جلایری را که در تشویق هنرمندانی چون مراغی بی‌تأثیر نبود. مراغی در هر سه اثر ارزشمند خود، حکایت را نقل کرده است:

«و در تاریخ سلخ شعبان المعظم سنه‌ی احدى و ثمانین و سبع مائه، در بلده‌ی تبریز بندگی حضرت سلطان‌الاعظم، سلطان جلال‌الدین حسین، انارالله برهانه، بدین فقیر فرمود که: در ماه رمضان هر روز نوبتی مرتبی بساز و عرض کن و روز عرفه، هر سی نوبت را باز عرض کن. گفتم: بلی، ان‌شاءالله تعالی. استادان و مصنفان گفتند که: ممکن نیست و از ارباب عمل کس را این قدرت و قوت نبوده است و خواجه رضی‌الدین رضوان‌شاه - رحمت‌الله - که متعین و استاد همه بود، به مبلغ صد هزار دینار گرو بسته و حجت نبشت که: اگر بدین طریق ساخته گردد، صد هزار دینار بدهد و

بندگی حضرت پادشاه و خواجه شیخ الکججی، و امیر شمس‌الدین زکریا<sup>۱۳</sup> و قاضی شیخ علی - رحمهم‌الله - بر آن حجت گواهی نبشتند و شرط کردند آهنگ مقام و اصول ایقاعی، استادان و مصنفان تعیین کنند و اشعار عربی شیخ‌الاسلام اعظم خواجه شیخ و مولانا جلال‌الدین فضل‌الله العبیدی معین کنند و ابیات پارسی را به خواجه جمال‌الدین سلمان السواجی رجوع کردند که او تعیین کند. بر آن ابیات و اشعار و بدان صنایع که استادان مقرر می‌کردند، این فقیر، هر روز نوبتی مرتبی می‌ساخت و در مجلس خلوت به حضور پادشاه و اکابر که ذکر ایشان رفت، عرض می‌کرد، و این فقیر گفتم که: نوبت را، قدما چهار قطعه ساخته‌اند، اما این فقیر هر نوبتی را پنج قطعه سازم تا شکل تربیع نباشد.

استادان گفتند: در مقطعات اربعه شروط کرده‌اند. تو درین قطعه‌ی خامسه چه شرطی می‌کنی؟ گفتم که: شرط آن می‌کنم که هرآنچه از صنایع و ابیات و اشعار که در مقطعات اربعه باشد که در قطعه‌ی خامسه‌ی مستزاد اعدای آن‌ها واقع شود. بر موجهی که مقرر شده بود، هر روز نوبتی بر پنج قطعه ساخته، مشکل و خوش‌آینده معروض می‌شد.

پس روز عرفه هر سی نوبت را عرض کردم. بلازیاده و نقصان و مبلغ صد هزار دینار، خواجه رضوان‌شاه با دختر خود بدین فقیر دادند و بندگی حضرت سلطان حسین - انارالله برهانه - فرمود که: نوبت اول ماه رمضان را به‌نام من بساز در پرده‌ی حسینی. بر موجب فرمان، نوبت اول در مقام حسینی ساختم به همان صنایع که مقرر فرموده بودند. اول روز ماه رمضان عرض کردم بر این موجب: نوبت مرتب پنج قطعه ۱- قول؛ ۲- غزل؛ ۳- ترانه؛ ۴- فروداشت و ۵ - مستزاد به دور تقیل رَمَل ۲۳ تَرَه.»<sup>۱۴</sup>

مراغی در آثار خود، **مقاصد‌الالحان**، **جامع‌الالحان** و **شرح‌الأدوار**، حکایت فوق را با ذکر اشعار عربی در قول، و فارسی در غزل، عربی در ترانه و فروداشت، و فارسی در مستزاد، و مختصر تفاوت‌هایی نقل کرده است.

## تصنیف‌ها و آهنگ‌ها

تصانیف مراغی، بیش از هر جا، در آثار خود او مشهود است. هرچند تعداد آثار آهنگینش بیش‌تر از آن‌چه ملاحظه می‌شود بوده است. عبدالقادر در آثارش (مانند **مقاصد‌الالحان**) بعضی از آثارش را معرفی نموده، لیکن بسیاری از آثارش را به کتاب دیگرش «کنز‌الالحان» ارجاع داده و به‌قول خودش بسیاری از آهنگ‌هایش را در آن مأخذ به خط موسیقی نگاشته است.

مراغی ذوق آهنگ‌سازی خود را در ایام نوجوانی‌اش که هنوز به مراحل کمال نرسیده بود، با استقرار آهنگی بر شعر سلطان اویس که در مرحله‌ی ازدواج با دختر امیرصالح پادشاه «ماردین» سروده شده، بروز داده است.

ساقیا می ده که دور کامرانی امشب است

بخت ما را زور بازار جوانی امشب است

هم‌چنین، آهنگی که بر روی شعر عمادالدین عبدالملک سمرقندی ساخته، یا به‌قول خودش «شیخ‌الاسلام اعظم خواجه عمادالدین...» از اشعار خود غزلی اختیار کرده، تصنیفی بر آن التماس کرد (درخواست نمود)، در دایره‌ی که در نغمات آن دایره‌ی نغمه‌ی «ح» موجود نباشد،<sup>۱۵</sup> و آن ملایم باشد، برحسب التماس او عملی ساخته شد بر آن موجب و بر این ابیات:<sup>۱۶</sup>

باری دگر به میکده بردیم راه را

بر هم زدیم مدرسه و خانقاه را

عملی که «مقامات عشاق و نوا و بوسلیک به دور رَمَل دوازه نَقَرَه» ساخته و مورد توجه شاهانه قرار گرفته، این در حالی است که موسیقی دانان دیگر و به عمر، پیش تر از مراغی هم بوده‌اند، و همین امر موجب صدور تشویق‌نامه‌ی شاهی به‌نام وی گردیده:

آن که مهر فلک آمد چو من عشاقش  
دل ماه است شب و روز به جان مشتاقش  
نغمه و صوت خوشش گر شنود زهره ز دور  
زهره در شوق بسوزد چو من از احراقش  
شیخ اویس، ار هوس صوت خوش او داری  
منگری سوی جهان، غم مخور از آفاقش  
هم‌چنین آهنگی که در نغمه‌ی حسینی بر روی شعر مولانا

سروده:

بیمار شود عاشق الّا بنمی میرد

مه گرچه شود لاغر، استاره نخواهد شد  
مراغی سازنده‌ی تصنیف دشت ارژن و ادوار پنج‌گانه‌ی (قمریه، مأتین، ضرب‌الرّبع و...)، از تصنیفی یاد نموده: «و افضل المتأخرین امیر سید شریف از مراغی خواسته در تصنیفی آورد که برحسب التماس خدمتش داخل گردانیدم.»<sup>۱۷</sup> مراغی در ادبیات ترکی یا زبان موسیقی ترکی، صاحب رأی بوده و اشعاری که به‌زبان ترکی در آثار او یافت می‌شود، از همین آشنایی سخن می‌گویند:

ای جانِ جهان، بحر صفا بیزنی اونوتما

وای ماه جبین، مهرلقا بیزنی اونوتما  
حقدن دیلا یورجان و کونول عمرون اوزاکی  
وردوم بودورور صبح و مسابیزنی اونوتما  
اول دم که یوزون ویرسه شهاجسن زکاتی  
گراولیما حاضر بوگدا بیزنی اونوتما  
آیرلمدی جانوم قلیچ ایله ایشیگوندن  
گر چرخ و فلک قیلدی جدا بیزنی اونوتما  
واردور کرموندن بوقدر بیرجا توقع

گر سالدی جدا بیزنی قضا بیزنی اونوتما...  
در ترکیه هنوز هستند آهنگ‌هایی که تحت عنوان «کیار» یا «قیار» (Kir) به‌اجرا درمی‌آیند؛ مانند هفت قطعه آهنگ مراغی که با خط نت غربی امروز نوشته، اجرا می‌شوند. شش قطعه در مایه‌ی راست فصلی و یک قطعه در مقام اویچ فصلی... و همگی با اشعار فارسی یا نقش یورک سماعی در مقام بسته‌نگار، و اصول یورک سماعی با شعر فارسی و ۱- کار (KĀR) شوق‌نامه (Sevx nāme)؛  
۲- کار (KĀR) حیدرنامه (Heydar nāme)؛ ۳- نقش دویک (Nakis Dyek)؛ در موسیقی مقامی قدیم وزنی به‌نام دویک موجود بوده است و در کتاب **بهجت‌الروح** آمده؛ ۴- اکسان سماعی (Aksan Semāi)؛ سماعی نیز از اوزان قدیمی است؛ ۵- یوروک (Yruk)؛ ۶- نقش بسته (Nakis Beste).

در، کار (کیار) در مقام نه‌اوند کبیر، با اصول دور روان با شعر:  
گذشت آرزو از حد به پای‌بوس تو ما را

سلام مردم چشمم که بوید آن کف پا را  
نیز، مراغی تصنیفی بر روی شعر مستزاد ابن حسام خوافی -  
شاعر سده‌ی هشت هجری - نهاده است:<sup>۱۸</sup>

آن کیست که تقریر کند حال گدا را  
کز غلغل بلبل چه خبر باد صبا را  
زاری و زر و زور بُود مایه‌ی عاشق  
ما را نه زر و زور و نه خود رحم شما را  
هرچند نیم در خور درگاه سلاطین  
کز روی ترخم بنوازند گدا را  
مراغی، خود نیز شعرهایی داشته است:  
عبدالقادر ز دیده هر دم خون ریز

با دور زمانه نیستت جای ستیز  
یا در پایان **مقاصد‌الآلحان** می‌آورد: بیماری که بنده را عارض



شده بود و اطباً ملازم بودند و شکوه‌یی که از اطباً بود به تعریض در عملی آوردم و در حسینی به دور مخمس هشت نقره این عمل ساخته شده:

طبیبا دردمندان را علاجی کن بگو ما را

نداری شفقتی یارا چه گویم من تو نادان را؟  
تصنیف زیر و آهنگی را که خاص آن بوده، از مراغی دانسته‌اند،  
با عنوان کار گلستان، با اصول خفیف در نغمه‌ی راست که در عهد  
قاجار نیز در بین خواص زمزمه می‌شده است:  
گل بی‌رخ یار خوش نباشد  
بی‌باده بهار خوش نباشد

سرو چمن و هوای بستان  
بی‌لاله عذار خوش نباشد  
درویش رجای پادشاهی نکند  
از کاسه‌ی نه مهر گدایی نکند  
کامل خردش آن که خموش است فصیح  
هر کاسه که پُرشود صدایی نکند

## آثار مراغی به فارسی

تالیفات عبدالقادر برای کسانی که بخواهند درباره‌ی موسیقی ایرانی کار بکنند بسیار مغتنم است. فارمر می‌نویسد: آثار ابن غیبی از لحاظ تاریخ موسیقی ایران و عرب اهمیت بسیار دارد و متضمن اطلاعات ارزنده و مهمی درباره‌ی سازها و موسیقی علمی است. آثار مهم عبدالقادر مراغی به شرح زیراند:

کنزالألحان، مقاصدالألحان، جامعالألحان، شرحالأدوار (زبدةالأدوار) مهم‌ترین آثار مراغی‌اند. آثار دیگرش: ترجمه‌ی

ترکی‌الأدوار به نام «روح‌پرور»؛ رساله‌ی ساز چینی یا موسیقی چینی؛ فوائد عشره و لحنیه که به قول و نظر محمدعلی تربیت، نویسنده‌ی «دانشمندان آذربایجان» - باید با قید احتیاط تلقی نمود.<sup>۱۹</sup>

در بعضی از آثار موسیقایی، از «صحبت‌نامه‌ی استادالمصنفین مراغی» سخن رفته<sup>۲۰</sup> و بعضی مطالب آثار موسیقایی مانند رساله‌ی کوبکی را از مراغی دانسته‌اند.<sup>۲۱</sup> دو رساله‌ی عشره و لحنیه نیز منسوب به اوست. چنان که در **دانشمندان آذربایجان** بدان اشاره رفته، می‌نویسد: بعضی از تصنیفات خواجه با ذکر ضروب و نقرات در کتاب «نزهة الأرواح فی تطریب الأشباح» اثر یعقوب بن محمد و رساله‌ی امیرخان (کوبکی گرجی) محفوظ و مضبوط مانده است.

۱- **کنزالألحان**: ظاهراً نخستین اثر مراغی به‌شمار می‌رود و به‌نظر چنین می‌رسد که کتابی پُر حجم و حاوی مطالب و نکته‌هایی از موسیقی بوده، لیکن اثری از آن در دست نیست. مراغی راجع به این کتاب می‌گوید: «و از آن نوبت ثلاثین در کتاب کنزالألحان بر قاعده‌ی مباشرت عمل ثبت کردم. اگر کسی را معرفت آن علم و عمل باشد، او را ممکن باشد که استخراج آن‌ها کند.» یا در تقسیم ابعاد و طریقه‌ی عمل و اعمال اصناف می‌گوید که در کنزالألحان مجموع اعمال اصناف را مبین گردانیده و نام آهنگ‌ها و تصانیف خود را ذکر می‌کند. در هر حال اگر این اثر در اختیار بود. امکان حصول به نغمه‌های بسیاری از ساخته‌های مراغی آسمان می‌شد. در «نقاوة الآثار فی ذکر الأخبار» (اثر محمود بن هدایت افروخته نطنزی)، نیز از **کنزالألحان** یاد شده. خود مراغی در **مقاصدالألحان**<sup>۲۲</sup> و **جامعالألحان** و **شرحالأدوار**<sup>۲۳</sup> از **کنزالألحان** یاد کرده است.

۲- **مقاصدالألحان**: دومین اثر مراغی به فارسی، دارای نثری مصنوع و متنی موسیقایی، مشموم از اصطلاحات موسیقی نگارش یافته است. این کتاب در یک مقدمه و دوازده باب و چند فصل است. **مقاصدالألحان** برای نخستین بار در ایران، به‌اهتمام تقی بینش در تاریخ ۱۳۲۴ ش. در ۲۴۰ صفحه انتشار یافته است. فارمر سه نسخه از این کتاب را معرفی کرده: یکی در بادلیان، دو دیگر در کتابخانه‌ی رفوف یکتابلیگ استانبول و سه دیگر در کتابخانه‌ی

دانشگاه لیدن هلند. به‌نظر استاد تقی بینش بهترین و قدیمی‌ترین نسخه‌ی که از این کتاب در دست می‌باشد، نسخه‌ی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی‌ست که به خط زیبای مؤلف در رمضان سال ۸۲۱ هجری قمری نوشته شده است.

۳- **جامعالألحان**: به‌عقیده‌ی فارمر، مهم‌ترین اثر مراغی است که شامل دیباچه‌ی مختصر و علت تألیف به‌جهت تعلیم دو فرزندش: عبدالرحیم و عبدالرحمن با مقدمه‌ی در پنج فصل و باب‌های دوازده‌گانه است. در خاتمه‌ی **جامعالألحان** شرح مجالسی رفته با ذکر بعضی از آهنگ‌ها و سرودهای غنایی عربی و فارسی که بعضی هم به لهجه‌ی محلی است. با مطالعه‌ی دو اثر مراغی - **جامعالألحان** و **مقاصدالألحان** - می‌توان پی برد که: به‌تقریب، **مقاصدالألحان**، خلاصه‌ی‌ست از **جامعالألحان**. نخستین انتشار این اثر در ایران، به‌اهتمام تقی بینش، براساس نسخه‌ی مورخ ۸۱۸ هجری قمری به‌خط مؤلف در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی در ۳۹۸ صفحه بوده است.

۴- **شرحالأدوار**: این کتاب شرح مراغی بر «الأدوار» صفی‌الدین ارموی است. اصل کتاب به‌عربی و شرح مراغی به فارسی است. مراغی نیز شرح آن را مانند اصل کتاب در پانزده فصل متذکر شده است. برخی این اثر را به‌اشتباه «زبدةالأدوار» خوانده‌اند. بنا به قول مراغی، **شرحالأدوار** آخرین اثر اوست. این اثر به‌اهتمام تقی بینش در ۴۵۸ صفحه، در تاریخ ۱۳۷۰ ش. به‌چاپ رسید. مقدمه‌ی فاضلانیه‌ی مرحوم استاد تقی بینش، تقریباً یک دوره تاریخ موسیقی و آثار موسیقایی را به‌گونه‌ی موجز به‌دست می‌دهد. نسخه‌ی اساس در چاپ **شرحالأدوار**، نسخه‌ی مورخ ۸۴۵ ه. ق. کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی مطهری است. ■

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- خود مراغی خودش را چنین معرفی می‌نماید: کمال‌الدین عبدالقادر بن جمال‌الدین غیبی مراغی آذربایجانی. ۲- تاریخ ۷۶۸ ق. را استاد تقی بینش در سال‌شمار زندگی مراغی ارائه داده است. تولد وی را ۷۵۴ ق. (محمدعلی تربیت)، ۷۷۸ ق. (فارمر)، ۷۵۷ ق. (استوری) نیز نگاشته‌اند. اما بنابر دقت در پژوهش‌های استاد تقی بینش در خصوص مراغی و آثار وی، تاریخ مذکور محقق می‌نماید.
- ۳- یکی از دقیق‌ترین و کامل‌ترین شرح‌هایی که درباره‌ی عبدالقادر نگارش یافته، مقاله‌ی هنری فارمر در دایره‌المعارف اسلامی است. ۴- **تاریخ موسیقی**، شمس‌العلمای قریب، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۶۴. ۵- **بحورالألحان**، فرصت‌الدوله شیرازی، صص ۱۸ و ۱۹. ۶- **مقاصدالألحان**، ص ۱۳۸.
- ۷- **موسیقی در ادبیات**، ظفرل طهماسبی، نشر رهام، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲.
- ۸- همان، صص ۲۱۰ و ۲۱۲. ۹- همان، ص ۲۱۳. ۱۰- **مقاصدالألحان**، ص ۲۷.
- ۱۱- حورا به نظاره‌ی نگارم صف زد رضوان به عجب بمآند کف‌برکف زد. یک خال سیه بر آن رخ مطرف زد ابدال ز بیم، چنگ در مصحف زد. (اسرارالتوحید)
- ۱۲- **روضات‌الجئات**، ص ۹۳۲ و **مقاصدالألحان**، ص ۲۰. ۱۳- استاد شمس‌الدین بدرنالی، موسیقی‌دان و نوازنده‌ی آلات رشته‌ی بی. ۱۴- **شرحالأدوار**، ص ۳۳۸.
- ۱۵- مراغی نغمات آن را: یخ. یوو. یج. یا. ط. وو. ج. ا. و ابعاد آن را: ج ط ج ط ط ج گفته است. ۱۶- **جامعالألحان**، ص ۶۲ و **مقاصدالألحان**، ص ۲۵ و **شرحالأدوار**، صص ۱۱۰-۱۱۹. ۱۷- این تصنیف نیز مانند دیگر تصانیف مراغی، توسط موسیقی‌دان ارجمند، فرهاد فخرالدینی، به‌خط نت امروز در سریال امام علی (ع) به‌کار گرفته شده است. ۱۸- تذکره‌ی دولت‌شاه سمرقندی، ص ۱۷۰. ۱۹- **جامعالألحان**، ص ۱۳. ۲۰- **بهبخت‌الروح**، عبدالؤمن جرجانی، با مقدمه‌ی ه. ل. رابینودی، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۷۳.
- ۲۱- **دانشمندان آذربایجان**، محمدعلی تربیت تبریزی، ۱۳۱۴، ص ۲۶۴.
- ۲۲- صفحات ۵۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۴۲. ۲۳- فایده‌ی چهارم.